

متن پرسش

سلام مجدد به جناب استاد طاهرزاده: عذرخواهم باز مصدع می‌شوم چون نکات مهمی در خصوص موقع و مقام بحث وجود دارد که نیاز هست مورد التفات استاد مکرم قرار گیرد. اگر دغدغه حضرت عالی استفاده نکردن از لفظ «خائن» برای جریان وفاق است از حیث عدم ایجاد تشنج در فضای سیاسی، چند نکته گفتنی است: ۱. شأن بحث ما به نظر حقیر بسیار فراتر از این بود که صرفاً با بیان تذکرات مربوط به زبان و ادب بخواهد رفع رجوع شود. اما چون چنین چیزی تلقی شد نیاز هست توضیحاتی عرض کنم. اولاً بنده در مرسوله، آقایان پزشک‌های و قالیباف را «خائن» خطاب نکردم و اصولاً محور بحثام الصاق یک سری القاب و عنوان‌ها به افراد نبود. ما به روابط سازمانی قابل اثبات و مستند آقایان ظریف و سریع القلم با شبکه نهادهای راکفلرها اشاره کردیم که معمار کلان برجام از آمریکا بودند و مذاکرات اخیر هم در همان راستاست چنان که عرض خواهد شد. ۲. در خصوص آقایان پزشک‌های و قالیباف، قطعاً می‌توان بین خطاهایی که با حسن نیت اما از سر تأثر از گفتمان استعماری اصلاحات نشأت می‌گیرد و خطاهایی که سر از خبث طینت است تفکیک کرد، فلذا از استفاده از القابی چون «خائن» برای ایشان اجتناب کرد. ۳. این جدای از این بحث است که اصولاً لوازم و شرایط احراز «خیانت» برای مسئولین چیست. اجمالاً آنچه روشن است اینکه نفس وجود «حسن نیت» در مسئولینی که کشور را دچار ضربات مهلک کردند، نافی مسئولیت دنیایی و عقوبت الهی برای آنها نیست. اگر فرموده امیر حکمت علیه السلام را ملاک قرار دهیم نفس پذیرش مسئولیت برای افراد که صلاحیت اندیشه‌ای و علمی لازم برای آن را ندارند در احراز خیانت کفایت می‌کند. و ضمناً خوب می‌دانید که برخی شخصیت‌های منفی صدر اسلام مثل سعد ابن ابی وقاص با «حسن نیت» با اوامر ولایی مخالفت می‌کردند! ۴. اینکه رهبری جدید، اختلاف خود با تیم آقایان قالیباف و پزشک‌های را علنی کردند و تمام مسئولیت را متوجه آقای پزشک‌های کردند، به معنی جدی بودن اختلافات است. بدیهی است اگر «مصلحت» ایجاب کند که با دولت و رئیس مجلس مستقر برخورد انتقادی هم شود، تلاش برای حفظ آرامش کشور و جلوگیری از تنش ضروری است؛ چون دشمن ممکن است از تنش‌های احتمالی ناشی از تذکر خطاهای بزرگ مسئولین نیز به نفع خود استفاده کند اما... ۴.۱ با توجه به سابقه برجام، ضربات مهلک و کشنده به کشور در عملکرد دوساله جریان وفاق، از جمله اقدام دشمن به ترور رهبر شهید با علم به اینکه ایشان مانع پیشرفت مذاکرات با وفاق‌یون هستند!، نظر کارشناسی کارشناسان نخبه و «فهم» مبنی بر اینکه پذیرش آتش‌بس فرصت بازسازی اقتصاد و نظامی و سیاسی را برای ترامپ لعین و حمله مجدد به کشور از موضع قوی‌تر را فراهم کرد، قلع و قمع بی‌سابقه شیعیان

به دست اسرائیل در همان ساعات اولیه آتش‌بس از جمله نابودی ۶۰ روستا، رسیدن نبطیه پایگاه تاریخی مقاومت به مرز سقوط و دسترسی دشمن به شهرک‌های زیرزمینی حزب‌الله، دروغ‌ها و خلاف‌گویی‌های مکرر جریان وفاق درباره مذاکرات، افشاگری‌ها از پشت پرده مذاکرات با رهبری که دال بر تهدید آقای پزشک‌پژشکیان به استعفاء در صورت عدم پذیرش خواسته‌های آنان و تذکرات شدید رهبر فعلی به تیم مذاکره‌کننده به دلیل تخطی‌های جدی در مذاکرات پاکستان بود؛ و عقب‌تر، نقش جریان اصلاحات در سقوط سوریه باتوجه به افشاگری‌های اخیر آقای وحید جلیلی مبنی بر مخالفت آقای ظریف با گسترش روابط اقتصادی استراتژیک با سوریه و ده‌ها نکته نگفته و نگفته دیگر در خصوص مجموعه جریان اصلاحات/وفاق، ما نمی‌توانیم هیچ نتیجه‌ای جز «وجوب برخورد انتقادی جدی» با این جریان بگیریم در عین اینکه می‌دانیم تنش‌های سیاسی نیز به ضرر کشور است با این حال... ۴.۲

چنانکه تجربه برجام و وفاق اثبات کرد، مدارا و مماشات با این جریان می‌تواند نتایجی چون قتل رهبری و سقوط حماس و شهادت مقامات نظامی و قلع و قمع حزب‌الله و کن فیکون شدن فرهنگ و اقتصاد کشور را داشته باشد. لذا با توجه به این ملاحظات این سؤال پیش می‌آید که آیا واقعا از نظر آن استاد محترم، مشکلات ناشی از برخورد انتقادی با جریان وفاق، از این فجایی که در همین ۲ سال سر کشور آمد، بیشتر و خطرناک‌تر و فاجعه‌بار تر است؟! کدام دعوی سیاسی از نظر شما می‌توانست چنین بلاهایی بر سر کشور بیاورد و تاکجا می‌توان با این روند مهلک و مخرب وفاق‌یون که با خیره‌سری عجیبی جلو می‌رود مماشات کرد؟! ۳. در خصوص نکته شما درباره «فهم» فکری جریان‌ها بنده با توجه به مطالعات وسیع‌ام در فلسفه، عرفان نظری، تاریخ روابط بین‌الملل، اقتصاد سیاسی و تاریخ نبردهای اطلاعاتی و حتی جنبه‌های باطنی منازعات ما با دشمن، نسبت به عقبه فکری و سازمانی جریان‌های سیاسی کشور بحمدالله بصیرت‌های نظری و تاریخی قابل توجهی به دست آورده‌ام. مثلاً مدت‌ها است دریافتیم که چارچوب فکری آقای ظریف و سریع‌القلم که در دانش روابط بین‌الملل از آن تعبیر به «بین‌الملل‌گرایی» می‌شود عیناً رویکردی است که خاندان شیطنانی راکفلر یک قرن است در دنیا برای بسط سلطه جهانی زرسالارانی چون خودشان ترویج کردند. روابط سازمانی ظریف و سریع‌القلم نیز با شبکه راکفلرها را مستنداً «فهمیدیم». خوب حالا که اشتراک فکری و راهبردی و سازمانی بین جریان لیبرال در سیاست خارجی با منحوس‌ترین زرسالاران غرب را «فهمیدیم» و رد پای همان‌ها را در برجام و مذاکرات اخیر و مقاله اخیر ظریف در فارن افرز (نشریه پایگاه راکفلرها) دیدیم تکلیف چیست؟ به اسم وفاق و حفظ آرامش کشور، در برابر این جریان متحد با دشمن سکوت کنیم؟! ۴. سیاهه‌ای که برای استاد عزیز ارسال کردیم، اتفاقاً بر اساس «فهم تخصصی» و ۲۰ سال سابقه مطالعات بین‌رشته‌ای حقیر بوده است، نه شور احساسات انقلابی! بر این اساس، به عنوان یک متخصص و از منظر کارشناسی، می‌توانیم حتی به رویکرد رهبر شهید در مماشات با این جریان نیز انتقاد وارد کرد. مماشات و مدارایی که موجب قربانی شدن خود رهبر شهید، و ایجاد فرصت برای شبکه نفوذ دشمن برای جرح و تعدیل خونین در ساختار سیاسی کشور با هدف برکشیدن جریان غربگرا و سوق نظام سیاسی به سمت

استحاله، تسلیم نهایی یا فروپاشی شود، آیا واقعا به اسلام و مسلمین است؟ آیا مماشات و مدارای امیرالمؤمنین علیه السلام با جریان حکمیت در نهایت نتیجه خوبی داشت و آیا اگر ما بعد از جریان حکمیت بودیم باید از نتیجه حکمیت دفاع می‌کردیم یا متذکر اراده اولیه و اصلی امیرالمؤمنین علیه السلام که جنگ جنگ تا رفع فتنه بود می‌شدیم و جریانی که حکمیت را با نتایج خسارت‌بارش تحمیل کرده نقد و نصیحت می‌کردیم؟! ما عرائضی که خدمت حضرت عالی داشتیم را با دو حدیث از ائمه بصیرت علیهم السلام پایان می‌دهیم که التفات کلی به آن در اندیشه حضرت عالی دیده می‌شود اما چه کنیم که در بزنگاه‌های تاریخی اختلاف بین مؤمنین در صغرویات است نه کبرویات، و تذکر کبرویات هنگام اختلاف در صغرویات مغالطه است. العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس لایحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر با ادله تفصیلی که در بالا ذکر شد اجازه دهید آقایان حداد عادل یا قالیباف را مصداق اهل بصر و صبر ندانیم. التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ملاحظه می‌فرمایید که در این موارد مانند شما فکر نمی‌کنم. عرایضی در کتاب «سوره جائیه و راز زمین‌گیری امتها» در رابطه با آیه «قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَعْزُبُوا لِلَّذِينَ لَا يَزُجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (۱۴) شده است. با فرض این‌که حتی افرادی که می‌فرمایید امید به ایام الله نداشته باشند؛ ما نمی‌توانیم آن‌ها را متهم به مقابله با حقیقت بکنیم. خوب است به آن بحث رجوع شود. صفای دل‌هایی که دل در گرو موفقیت جبهه حق در مقابل باطل دارند با هر جریانی که می‌خواهند باشند. بحمدالله ما در شرایطی هستیم که با قدرت در میدان مقابله با استکبار در صحنه هستیم و از این جهت هر دو جریان که صادقانه موافق یا مخالف مذاکره با آمریکا هستند را، می‌فهمیم، بدون آن‌که یکی را حق و دیگری را باطل بدانیم.

۶۱/۱۰۲۵ <https://eitaa.com/mohammadi> موفق باشید